



عقل عملی و آزادی عقیده / مسئولیت های محدود کننده انسان در بحث آزادی

آیت الله اراکی گفت: مسئولیت های کلانی در مجموع حوزه باورهای نظری و عملی وجود دارد که آزادی انسان را نسبت به باورها و عقاید محدود می کند.

آیت الله اراکی گفت: مسئولیت های کلانی در مجموع حوزه باورهای نظری و عملی وجود دارد که آزادی انسان را نسبت به باورها و عقاید محدود می کند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر مشروح جلسه پنجم درس خارج فرهنگ آیت الله محسن اراکی است که در ادامه می خوانید؛

مقدمه

فرهنگ یک نظام ارزشی است که همه فعالیت های ارادی انسان را در برمی گیرد؛ مجموعه ای از داور و های ارزشی به هم پیوسته و متکامل درباره کلیه رفتارهای انسانی انسان که مجموعه ساختاری هماهنگ و واحدی را شکل می دهد. از سویی فرهنگ خاستگاه رفتارهای ارادی انسانی فردی و اجتماعی است و لذا هرگونه تغییر در رفتارهای فردی و اجتماعی، دگرگونی در نظام فرهنگی را می طلبد و نیز هرگونه تغییر در نظام فرهنگی، دگرگونی در شیوه های رفتار انسانی را به دنبال دارد به همین جهت بررسی این نظام اجتماعی از منظر فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام ضروری به نظر می رسد. در این سلسله دروس آیت الله محسن اراکی که مکتب علمی نجف و قم را توأماً درک کرده است، به بررسی این مهم می پردازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

نتیجه ای که از بحث آزادی تاکنون به دست آمد در چند بند زیر خلاصه می شود:

۱. عقل عملی آزادی عقیده را در مورد گزاره های عملی سرنوشت ساز نسبت به مسئولیت پیش و باور نمی پذیرد؛ یعنی مسئولیت پرسش و جستجو نمی پذیرد، بلکه آدمی را نسبت به پرسش و جستجو درباره این دسته از گزاره ها متعهد و مسئول می داند.

۲. عقل عملی آزادی عقیده در مورد گزاره های عملی سرنوشت ساز را نسبت به مسئولیت پیش و باور دوم نیز نمی پذیرد؛ یعنی آدمی را مسئول می داند که درباره چنین گزاره هایی پس از پرسش و جستجو به تحقیق و استدلال و نظر پردازد و گزاره های را که از پشتوانه دلیل و برهان کافی برخوردار است برگزیند.

۳. عقل عملی آزادی عقیده را در مورد گزاره های نظری صرف نسبت به مسئولیت پیش و باور نخستین می پذیرد و آدمی را نسبت به سؤال و پرسش و جستجو درباره این نوع گزاره ها مسئول نمی شمارد.

۴. عقل عملی آزادی عقیده را در مورد گزاره های نظری صرف نسبت به مسئولیت پیش و باور دوم نمی پذیرد و آدمی را در ایمان به عقیده ای که برهان صحت آن را تأیید می کند و عدم ایمان به گزاره هایی که از پشتوانه برهان و دلیل برخوردار نیست مسئول و متعهد می داند.

مسئولیت های محدود کننده

بنابراین در مجموع حوزه باورهای نظری و عملی مسئولیت های کلانی وجود دارد که آزادی انسان را نسبت به باورها و عقاید محدود می کند، این مسئولیت های کلان عبارتند از:

۱. مسئولیت آدمی نسبت به پرسش و جستجو درباره قضایای کلان و سرنوشت; و ساز عقل عملی نظیر و وجوب عدل; و وجوب گزینش نظام زندگی سالم; یا آنچه منتهی به قضایای عقل عملی است نظیر وجود خدا;.

۲. مسئولیت انسان نسبت به سنجش گزاره‌های احتمالی در مورد قضایای عقل عملی و آنچه منتهی به آن می‌شود و انتخاب و گزینش گزاره صحیح مورد تأیید دلیل و برهان.

۳. مسئولیت انسان نسبت به پذیرش و تسلیم قلبی در برابر قضایای عملی صحیحی که صحت آن‌ها با دلیل و برهان به اثبات رسیده است.

۴. مسئولیت انسان نسبت به عمل به آن دسته از قضایای عقل عملی که صحت و درستی آن‌ها از طریق برهان و دلیل به اثبات رسیده و به صحت آن‌ها ایمان آورده است -ایمان مبتنی بر برهان و دلیل-.

۵. مسئولیت انسان نسبت به پذیرش قلبی قضایای عقل نظری که صحت آن‌ها با دلیل و برهان به اثبات رسیده است.

۶. مسئولیت انسان نسبت به عمل به قضایای عقل عملی که موضوع آن‌ها به وسیله مدرکات عقل نظری از طریق دلیل و برهان صحیح به اثبات رسیده است.

این مسئولیت‌های شش‌گانه در منابع دین اسلام یعنی قرآن کریم و سنت معصومین مورد تأیید و تأکید قرار گرفته‌اند، آیه کریمه:

«فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»;

سؤال از اهل دانش را مسئولیت کسی می‌داند که دانش ندارد، بنابراین انسان نسبت به پرسش و جستجو مسئول است؛ آنجا که خود به دانش دست یافت با دست‌یابی به دانش به این مسئولیت عمل کرده است و آنجا که خود از دست‌یابی مستقیم به دانش مورد نیاز خویش ناتوان است باید با پرسش از دانایان به مسئولیت خود عمل کند.

آیه کریمه «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» به مسئولیت سنجش گزاره‌ها بر مبنای استدلال و برهان اشاره دارد و اینکه گزاره‌های که از پشتیبانی برهان و دلیل برخوردار نباشد مسئولیت آفرین نیست، یعنی آدمی نه تنها نسبت به پذیرش آن یا عمل به آن مسئول نیست، بلکه در صورتی که بدون پشتیبانی دلیل و برهان گزاره‌های را بپذیرد و به آن عمل کند درباره هرگونه پی‌آمدها ناشی از خطای در پذیرش قلبی و رفتار برخاسته از این پذیرش قلبی مسئول است و باید پاسخگو باشد.

در گذشته به روایت شیخ طوسی رحمه‌الله علیه به سندش از امام صادق علیه السلام اشاره کردیم:

«حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمْعِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَقَدْ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: قَلِيلٌ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي! أَمْ كُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ لَهُ: أَمْ لَمْ أَعْمَلْ يَمًا عِلْمْتُ وَإِنْ قَالَ: كُنْتُ جَاهِلًا، قَالَ لَهُ: أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ قَبِيحًا، قِيلَ: الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ.»

در این روایت مسئولیت عمل به آنچه با دانش برهانی برای آدمی به اثبات رسیده و نیز مسئولیت پرسش و سؤال و کسب دانش درباره آنچه نمی‌داند مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

آیات و روایات فراوان دیگری نیز در تأیید مطالب فوق وارد شده است که در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

۱. حدود آزادی عقیده در حوزه عقل قبل التشریع:

پس از آنچه درباره تکالیف عامه عقلی و مسئولیت ‌های عقلی آدمی در حوزه عقاید و باورها بیان کردیم و نیز آنچه درباره مدرکات عقل عملی در حوزه عقل ما قبل التشریع گفته شد می ‌توان حدود آزادی عقیده را در حوزه عقل ما قبل التشریع طی چند اصل بیان نمود:

اصل نخست: سؤال و پرس ‌و جو درباره هر قضیه اعتقادی مؤثر در سرنوشت آدمی -ولو احتمالاً- از نظر عقل از یک ‌سو حق عمومی همه انسان ‌هاست و از سوی دیگر تکلیف عقلی است؛ زیرا ترک آن موجب مذمت عقلا و ملامت وجدان عقلی آدمی است.

مبنای این حق و تکلیف حکم عقل به وجوب دفع ضرر محتمل است و از آنجاکه تحقیق درباره قضیه ‌ای که صحت ‌و سقم آن می ‌تواند در سرنوشت خوب و بد آدمی نقش داشته باشد، مقدمه ضروری دفع ضرر محتمل است، لهذا تحقیق و جستجو و پرسش درباره چنین قضیه ‌ای حق و وظیفه عقلی هر انسانی است.

در اینجا باید به این نکته اشاره کرد، که سؤال و پرس ‌و جو دو گونه است:

۱. سؤال استفهامی که برای به دست آوردن حقیقت و رفع جهل و شک انجام می ‌گیرد؛ این نوع سؤال همان است که حق و وظیفه عقلی هر انسان است. انسان عقلاً حق دارد برای آنکه بتواند ضرر ناشی از سرنوشت بد را از خویش دفع کند درباره هر قضیه ‌ای که صحت ‌و سقم آن -هرچند احتمالاً- می ‌تواند در سرنوشت خوب یا بد او اثر داشته باشد به سؤال و پرس ‌و جو بپردازد.

۲. سؤال غیر استفهامی؛ یعنی سؤالی که به قصد یافتن حقیقت و رفع جهل و شک انجام نمی ‌گیرد، بلکه برای مقاصدی دیگر نظیر امتحان یا تعجیز یا هتک حرمت یا انگیزه ‌های دیگر انجام می ‌گیرد. این نوع سؤال، سؤال حقیقی نیست و از نظر ارزش و جایگاهی که در میزان عقل دارد بستگی به نوع انگیزه ‌ای دارد که مبنای منشأ سؤال است.

بنابر این اصل -اصل نخست- از آن نظر که پرسش و تحقیق درباره مسائل دخیل در سرنوشت آدمی حق هر انسانی است، انسان ‌ها در پرس ‌و جو و سؤال و تحقیق درباره هر مطلبی که می ‌تواند -ولو احتمالاً- در سرنوشت آدمی دخیل باشد حق دارند؛ یعنی منع آنان از سؤال و تحقیق در زمینه قضایایی از این دست رفتاری ناروا و نوعی سلب حق و تجاوز و تعدی به ‌شمار می ‌آید که از نظر عقل محکوم است و از آن نظر که این پرس ‌و جو و تحقیق یک تکلیف و وظیفه عقلی بشمار می ‌آید. زیرا حکم عقل به لزوم تحقیق و پرسش در این دسته از مسائل، حکمی الزامی است یعنی موجب مذمت بر ترک است. انسان ‌ها در برابر ترک تحقیق و جستجو و پرسش درباره این دسته از مسائل دخیل در سرنوشت آزاد نیستند زیرا ترک پرسش و تحقیق درباره این مسائل مذمت و ملامت عقل و عقلا را در پی دارد. این تکلیف عقلی در منابع شرعی نیز مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است، خداوند در قرآن کریم می ‌فرماید:

«zwnj;فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ‌.»zwnj;

ثقة الاسلام کلینی رحمه الله علیه به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت می ‌کند که فرمود:

«zwnj;مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالُوا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِحُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ فِي شَيْءٍ ‏سَأَلَهُ إِنَّمَا يَهْلِكُ ‏النَّاسُ ‏لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ‌.»

نیز به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت می ‌کند:

«zwnj;عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَسْعُ ‏النَّاسُ ‏حَتَّى ‏يَسْأَلُوا وَ يَتَفَقَّهُوا وَ يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ يَسْعَهُمْ أَنْ يَأْخُذُوا بِمَا يَقُولُ وَ إِنْ كَانَ تَقِيَّةً‌.»

شریف رضی در نهج ‌البلاغه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می ‌کند:

«قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَائِلٍ سَأَلَهُ عَنْ مُعْضَلَةٍ:

سَلْ تَفَقَّهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعَنَّاتًا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَنِّتِ».

حق پرس و جو درباره سایر مطالب -ورای آنچه در تعیین سرنوشت خوب و بد آدمی نقش دارد- از مسائل مربوط به حوزه عقل مع و الشرع است، زیرا از نظر منطقی اثبات حقانیت شرع و قانون بر آن ها متوقف نیست.

بنا بر این اصل تحقیق درباره قضایایی که در سرنوشت آدمی دخیل و اند وظیفه ای است که عقل قبل الشرع آدمی را در برابر آن مسئول می و داند و انسان را در انجام دادن یا ندادن آن آزاد و غیرمسئول نمی و داند. آزادی در این حوزه به معنای نفی این تکلیف و وظیفه عقلی است.

تکلیف عقلی بودن این پرس و جو افزون بر روایات فوق و ذکر در روایتی که سابقاً اشاره کردیم مورد تأکید قرار گرفته است آنجا که فرمود:

«حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ (تَعَالَى): فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي أَمْ كُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ لَهُ: أَمْ قَلَّا عَمِلْتَ يَمَا عِلِمْتَ وَ إِنْ قَالَ: كُنْتُ جَاهِلًا، قَالَ لَهُ: أَمْ قَلَّا تَعَلَّمْتَ حَتَّى رِلْمَ تَعْمَلَفِي خِصْمَهُ، فَيُلْكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ».

اصل دوم: آدمی در پذیرش هر قضیه یا گزارشی که بر او عرضه می و شود به ویژه قضیه ای که در سرنوشت او نقش دارد عقلاً موظف است از دلیل و برهان تبعیت کند و قضیه ای را که دلیل بر صحت آن وجود ندارد نپذیرد.

بنابراین آدمی در پذیرش قضایایی که بر او عرضه می و شوند به ویژه قضایایی که درستی و نادرستی آن ها می و تواند در سرنوشت خوب یا بد او نقش داشته باشد آزاد نیست که هر مطلبی را که شنید بپذیرد، بلکه موظف است تا پس از تحقیق و جستجو تنها مطلبی را بپذیرد که به درستی و حقانیت آن از طریق دلیل و برهان پی برده است.

قرآن کریم با جمله معروف «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ راستی و صدق هر قضیه و مدعایی را در گرو برهان و دلیل دانسته است، بنابراین نمی و توان چشم و بست و بدون استناد به دلیل و برهان قضیه ای یا مدعایی را پذیرفت. اذعان بی و دلیل در عموم قضایا به ویژه قضایایی که صحت و وسقم آن ها در سرنوشت خوب یا بد آدمی می و تواند نقش داشته باشد، موجب مذمت عقلا و ملامت وجدان عقلی سالم است.

والسلام علیکم و رحمه الله